

سرانجام با تمام آن اما و اگرها، نه گفتن ها و آری گفتن ها، پیش بینی ها و پیش گویی ها، با اصرار دوستان، برای عشق به وطن، به خاطر باورهای دینی، برای برقراری قانون، برای فرو نشاندن خود سری ها، به فرمان و یا به نیت شخصی، آقای خاتمی وارد کارزاری شدند که چه بخواهند یا نخواهند سرنوشت سیاسی ایشان را تا پایان زندگی شان رقم خواهد زد. چه پیروز انتخابات باشند و چه ناکام آن.

خاتمی از ۳ جهت پیروز است: ۱- اگر پیروز شود، پیروز است. ۲- اگر از شرکت در انتخابات محروم شود، پیروز است. ۳- اگر دستانی نابه کار در مخدوش کردن آرای مردم در صندوق ها گردش این گردونه ی بخت را از او بگیرند، باز هم پیروز است. فاش می گوئیم و به این باور ایمان داریم چنان چه حادثه ای پیش نیاید و روند انتخابات به شکلی دموکراتیک، عادلانه و مردم سالارانه پیش برود و مسئولان صندوق ها امانت داران راستین آرای ملت باشند پس از شمارش آرا فقط یک نفر با آرای بین ۱۵ تا ۱۷ میلیون نفر، با نام و عنوان «سید محمد خاتمی» سر از صندوق های رأی گیری به شایسته گی در خواهد آورد.

چرا خاتمی؟

۱- خاتمی در هشت سال ریاست خود بر دولت مدارا گر، اصلاح طلب و میانه روی خود ثابت کرد که برای جنگیدن، به زانو در آوردن، قلع و قمع کردن و نابود کردن مخالفانش نیامده است و دیده نشد هرگز کلامی به سخافت، بی احترامی و ناشایسته گی در مورد تعداد بی شماری از مخالفانش که او را به همه چیز، حتا مرگ تهدید کردند بر زبان براند.

۲- خاتمی تنها دولت مردی است که در طول تاریخ این سرزمین، به ویژه از عصر مشروطیت تا امروز که خاطرات زنده آن نشانه های آشکار مستند بودن آن است، در حرف و عمل فریاد برداشته است «زنده باد مخالف من» بی گمان در تاریخ معاصر سیاسی جهان و پیش تر از خاتمی مردان بزرگ، والامقام و فرخنده ای چون مهاتما گاندی، نهره، ایندیرا گاندی، قوام نکرومه، دکتر احمد سوکارنو، احمد بن بلا و نلسون ماندلای کبیر این راه را پیموده اند، اما در ایران تا این تاریخ هیچ دولت مردی به این شعار چه از بن زیرساختی و چه از بن رو ساختی اشاره ای نکرده است، آن هم به دفعه ها و مرتبه های فراوان و به تکرار. و خاتمی نیز این کلام را به اعتبار راه پیروزمندانه ی آن بزرگان و نام آوران بر زبان رانده است.

۳- اگر این گفته، نشان لیبرالی، دموکراسی طلبی و آزادی خواهی یک رهبر سیاسی نیست، چه می تواند نام داشته باشد؟ در آن شرایط بحرانی چه کار دیگری از دست خاتمی برمی آمد. و امروز نیز کار ما پیمودن راه ناهموار سنگ لاج دموکراسی با آزمون و خطاهای مکرر است. اگر جز این است تحلیل سیاسی خودتان را شجاعانه، منطقی و علمی برای مجله بفرستید تا به نام شما چاپ شود.

۴- خاتمی دروازه های گفت و گوی صلح آمیز و دور از تنش های سیاسی را پس از یک دوره طولانی و انزوای مطلق سیاسی تقریباً ۲۰ ساله با جهان گشود و می رفت که سوء تفاهم های بین المللی را نسبت به ایران به کم ترین اندازه برساند که با مخالفت سرسختانه ی افراطیون رو به رو شد. و برنامه اش به پایان راه نرسیده، تعطیل شد. هم از جانب خودی ها ضربه خورد، هم از جانب رقیبان ناسازگار.

۵- به دولتیان و ملتیان ما تفهیم کرد که حقوق مدنی دوجانبه ی دولت به ملت و ملت به دولت از یک زیر ساخت دموکراتیک خرد ورزانه، حکمت آمیز و فلسفی برخوردار است و در سایه ی این احترام متقابل است که جامعه ی بحرانی را می توان به سوی آرامش و حرکت به سوی دموکراسی رهنمون شد.

۶- خاتمی بخشی از انتظارات جوانان، مردان و زنان تشنه ی دموکراسی را که سال ها سرکوب خود خواهی های تمامیت خواهان شده بود از زیر خاکستر فراموشی به درآورد و زمینه های دیالکتیکی گفت و شنود را در بستری از تحمل پذیری آرا و عقاید موافقان و مخالفان نهادینه کرد. فراموش نکنیم، در همین دوره است که به دفعه های مکرر دروازه های زندان های سیاسی روی نماینده گان تحقیق و تفحص مجلس با بسیاری از اسرار سر به مهر زندان ها و نیروهای خودکامه ی امنیتی و جنایات و قتل های زنجیره ای و نام بسیاری از دست اندرکاران، آمران و عاملان جنایت های پشت پرده آشکار گردید. چرا این امر در پیش و پس از دوره ریاست جمهوری خاتمی انجام نشد؟

۷- خاتمی به مردم ما گفت که درخواست مسالمت آمیز مطالبات حقوق مدنی آن ها راه مخالفت، انتقاد، بازخواست و حساب رسی از دولت و دولتیان را هموار خواهد کرد. و در انتقاد از مفاسد اجتماعی نباید ترسید. اما چه کسانی مانع این کار بزرگ شدند؟

۸- خاتمی با اتکا به همان قانون اساسی ای که بارها گفته بود بر مبنای آن انتخاب شده بود و با شجاعت هرگز در انکار این گفته ی خود نکوشید و زیر قول و قرارش هم نزد به دوستان و به طرف داران رادیکالش (کاتولیک تر از پاپ) که از وی انتقاد می کردند که چرا عملاً در مقابل قانون شکنی ها، تجاوزها، هتک حرمت های مخالفان اش با قدرت نمی ایستد و از باورهای خودش (بگوئید از باورهای آن ها) دفاع نمی کند، گفت که برای بر هم زدن ساختار جمهوری اسلامی نیامده است. (نگاه کنید به مصاحبه ها و سخن رانی های فراوان خاتمی در قبل، در زمان و در بعد از دوره ریاست جمهوری وی و هم چنین به آخرین مصاحبه ی سردبیر مجله ی فردوسی با یکی از نزدیک ترین یاران و مشاوران خاتمی، سید محمد ابطحی در شماره ۷۳ مجله .)

۹- خاتمی آشکارا اعلام کرد که از بندهای مختلف همین قانون اساسی که اساس حاکمیت جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد چنان چه درست اجرا شود می توان به بالاترین دست آوردهای مردمی رسید. و اگر نیازی به تغییر و تحول و بازخوانی و بازنگری داشت این مردم هستند که در یک referendum عمومی درباره آن تصمیم می گیرند.

«فرد صد در صد مسؤول همه ی چیزهایی است که در زندگی اش پیش می آید.» (۱۶) کسی در آمریکا نبوده است که از او بپرسد: پس نقش زن ها و علم زنتیک در کجا است؟ پس نقش هوش و هوش هیجانی در کجا است؟ پس نقش نابه سامانی های خانواده گی، حوادث فاجعه بار طبیعی خارج از توان انسان، نظام های به شدت طبقاتی، استبدادی و عقب مانده را در کجا باید جست؟ ستم های چپاول گران و زورگویان تاریخ دوره استعماری به گردن کیست؟ کمی هم از هم گروه و دوست خانم لوییز هی، یعنی آقای دکتر وین دایر گفت و گو کنیم و چند نکته ای هم از او بیاموزیم:

«پس از پایان تحقیقاتم به این نتیجه رسیدم که هرگاه یک بیمار سرطانی با استفاده از قوه ی تخیل، خود را عضوی از جامعه ی بشری احساس کند و از صمیم قلب برای هم نوعان خود سلامت و سعادت بخواهد، یاخته های بدن او نسبت به این اندیشه مهر آمیز واکنش نشان خواهد داد و تغییرات به وجود آمده در اجزای ملکول ها بر تومورهای سرطانی غلبه می کنند و بهبودی از راه می رسد.» (۱۷)

می بینید که آقای وین دایر کاملاً با خانم لوییز هی هم نظر است. آقای وین دایر علاوه بر تبلیغ مسیحیت در پوشش روان شناسی فیلسوف هم هستند: «هیچ چیز خارج از وجود شما نیست.» (۱۸) پس از گذشت بیش از ده هزار سال از تاریخ تمدن و گسترش شگفت آور علوم طبیعی و فیزیکی، آقای دکتر به ایده آلیسم مطلق رسیده اند! باید بیش تر با باورهایش آشنا شویم:

«در برابر هیچ چیز و هیچ کس صف آرایی نکنید.» (۱۹)

«مهم این است که من مسؤول همه ی اتفاقاتی هستم که در زندگی ام رخ داده است.» (۲۰)

«همه چیز برای شما برنامه ریزی شده و مقرر گردیده. در جهت تقدیر و حرکت جهان با تسلیم و رضا پیش روید و در مقابل آن نایستید.» (۲۱)

«در زندگی شما هیچ کمبودی وجود ندارد، چه گونه در یک جهان کامل و بدون عیب و نقص کمبود وجود داشته باشد؟» (۲۲)

«تندرستی و بیماری نیز مانند هر چیز دیگر زاینده گرایش های ذهنی ما است.» (۲۳)

بنابراین هر چه از «باکتری»، «میکروب»، «ویروس» های ریز و موزی می گویند، خواب و خیالی بیش نیست. چرا برای این که هیچ چیز (مانند میکروب) خارج از وجود ما نیست.

«باید خود را فراموش کنید و تقاضا و انتظار چیزی را نداشته باشید و صرفاً زندگی کنید.» (۲۴)

زیرنویس

Parapsychology - ۱

Telepathy - ۲

Clairvoyance - ۳

Precognition - ۴

۵- همان، ص ۴۲۲ با ترجمه ی مهدی محی الدین

۶- «شقای زندگی»، لوییز هی، ترجمه: گیتی خوش دل، تهران: نشر پیکان،

چاپ چهاردهم ۱۳۷۹، ص ۳۰

۷- همان، ص ۲۰۹

۸- همان، ص ۲۱۲

۹- همان، ص ۲۳۲

۱۰- همان، ص ۲۵۰

۱۱- همان، ص ۲۶۳

۱۲- همان، ص

۱۳- همان، ص ۲۲۰

۱۴- همان، ص ۲۸

۱۵- همان، ص ۴۲

۱۶- همان، ص ۱۹

۱۷- «عظمت خود را دریابید»، وین دایر ترجمه: محمد رضا آل یاسین،

تهران: انتشارات هامون، چاپ پانزدهم، ص ۹

۱۸- «معمار سرنوشت خود باشید»، وین دایر، ترجمه: محمدرضا آل

یاسین، ص ۱۱۸

۱۹- همان، ص ۱۱۲

۲۰- «خود حقیقی شما، جست و جوی حقیقت»، وین دایر، ترجمه: علی

رضا شاملو، تهران: انتشارات رامانیوش، چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۳۹

۲۱- «درمان با عرفان»، وین دایر، جمال هاشمی، تهران: شرکت سهامی

انتشار، چاپ هفتم، ص ۳۰۸

۲۲- همان، ص ۱۵۷

۲۳- «سر رشته زندگی خود را در دست بگیرید»، وین دایر، ترجمه:

محمدرضا آل یاسین، تهران: انتشارات هامون، چاپ سوم، ص ۳

۲۴- «وجود متعالی انسان» وین دایر، ترجمه: محمدرضا آل یاسین،

تهران: انتشارات هامون، چاپ دوم ۱۳۸۲، ص ۴۲

ادامه سرمقاله از صفحه ۴

۱۰- خاتمی با جرأت و شهامت یک دولت مرد مداراگر، حاکمیت پیچیده و تو در توی جمهوری اسلامی و مراکز متعدد قدرت را وادار کرد تا آن چه را که در قانون اساسی و در اصل ۲۴ در مورد مطبوعات، اصل ۲۶ در مورد احزاب و اصل ۲۷ در مورد تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها و اصل ۱۰۰ در مورد تشکیل شوراهای آمده است مورد توجه قرار دهند و بخش بزرگی از نماینده گان مجلس در اجرای قوانینی که هرگز تا آن زمان جدی گرفته نشده بودند، در متن تصویب دوباره همان قوانینی قرار گرفتند که باید به اجرا درآیند. اما آیا ما به این مرد فرصت انجام خواسته هایش را دادیم؟

۱۱- خاتمی در کدام دانش گاه، سالن سخن رانی و یا اجتماعی سخن رانی کرد و پس از پایان سخن رانی اش به دستور وی و یا سایر نیروهای امنیتی، مخالفان و معترضان اش دستگیر و زندانی شدند؟ فراموش نکنیم خاتمی بارها و آشکارا از طرف مخالفان اش مورد شدیدترین بی حرمتی ها، تهمت ها و انتقادات بسیار تند و رادیکالی قرار گرفته بود و بسیاری دیگر از سدهای مصنوعی دیگری که جبهه ی مقابل اصلاحات برای عدم موفقیت خاتمی در پیاده شدن آن انتظارات و مطالبات مدنی حداقلی به اجرا درآورده بود، هرگز وی را وادار به عکس العمل خشونت آمیز نکرد.

این ها واقعیت های هشت سال مدیریت دولت مردی است که وام دار هیچ حزب و گروه خاصی نشد و از آغاز همان شیوه ای را پیش گرفت که تا پایان کار رفت اما نه با جنگ و گریز و زد و خورد های خیابانی و کشاندن جامعه به دلهره، اضطراب و نگرانی همانند کشورهایی مانند پاکستان، افغانستان و عراق. او در آن ۸ سال به درستی حرکت کرد و درست در نقطه ی مقابل آن دسته از مخالفان حرفه ای و دشمنان مقطعی اش که هیچ فکری به جز سنگ اندازی در کار دولت، ایجاد درگیری های داخلی و آماده نمودن زمینه های زد و خورد های خیابانی، برای نشان دادن نبود امنیت اجتماعی، در سر نمی پروراندند. به سختی ایستاد. خاتمی هیچ وقت در سر نداشت و در سر ندارد با زور، تشنج و تنش های اجتماعی کارش را پیش ببرد.

\* \* \* \* \*

بر اما این سوی سکه، چنان چه فرض بر این باشد که نام خاتمی به عنوان برنده انتخابات و رییس دولت دهم از صندوق های رای گیری بیرون بیاید خود و دولت اش از فردای انتخاب شدن با چالش هایی رو به رو خواهند بود که مهم ترین آن ها می توانند این ها باشند:

شماره ۷۵ - آبان ماه ۱۳۸۷ - فصل دوم ۷۲



۱- ناسازگاری، مخالفت، ضدیت و دشمنی همان نیروهایی که در دوره هشت ساله ی ریاست جمهوری اش نگذاشتند دولت اش در آرامش به سر برد و برای حل و فصل واقعی مسایل مملکتی چاره جویی کند. طلایه داران همان مخالفان حرفه ای از ماه ها پیش که خبری از آمدن و نیامدن وی نبود آغاز کرده اند و امروز که خاتمی وارد جریان مبارزات انتخاباتی شده است، و هنوز هیچ خبری از برگزیده شدنش نیست سیل رفتارهای ناسازگار، تهمت های ناروا و بسیاری از حرف و حدیث های نادرست دیگر از جانب مخالفان حرفه ای اش آغاز شده است. در این بین طرف داران بریده از آقای خاتمی هم کم نیستند.

۲- چنان چه دولت آقای خاتمی در دوره پیش رو با ضدیت، فشار از بالا و مخالفت های رادیکال تر از چهار سال پیش رو به رو شد و نتوانست آن چه را که در باور دارد پیاده کند، با چه ره آوردی با آن هایی که او را انتخاب کرده اند رو به رو خواهد شد و پاسخ ایشان در این مرتبه چه خواهد بود؟

۳- گذشته از بحران های روزافزون اقتصادی جهان که تأثیری مضاعف و چندین برابر بر اقتصادهای متکی به نفت کشورهایمانند ایران دارد و متأسفانه با نفت بشکه ای ۱۴۰ دلار هیچ گونه جهش اقتصادی در تشکیلات اداری، اجرایی و ساختاری مملکت ما ایجاد نشد و تورم افسار گسیخته ی ۶-۷ درصدی دوره آقای خاتمی به ۲۷ درصدی در روزهای پایانی سال ۸۷ رسیده است و با خالی بودن صندوق ارزی، موج روز افزون بی کاری ها، گرانی افسار گسیخته، فقر عمومی، رسیدن حداقل دستمزد خط فقر به ماهیانه ۷۰۰/۰۰۰ تومان و دریافتی حداقل حقوق ماهیانه ی بازنشسته گان تأمین اجتماعی ۲۵۰/۰۰۰ تومان گسترش فاصله ی فقر و ثروت و غنی تر شدن ثروت مندان و فقیرتر شدن فقیران، زنگ های خطری است در دست بهانه جویان جبهه ی اصول گراییان مخالف خاتمی و هم چنین طرف دارانش.

۴- اگر چه دولت خاتمی میراث خوار نابه سامانی ها و بحران های اقتصادی دوره قبل از خود خواهد بود، کم تر شهروندی آن قدر منصف است که مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود و آن چه که می بیند را به گردن دولت قبلی بیندازد. بی گمان اگر به آن چه که در حال حاضر وجود دارد، به مشکلات اقتصادی، فقر، بی کاری، تعطیلی صنایع، نفت بشکه ای ۴۰ دلار، زندانیان سیاسی، تعطیلی روزنامه ها، وضعیت نشر کتاب، مطالبات دانش جویان، آموزگاران، کارگران، وضعیت کشاورزان و خشک سالی سال های اخیر، موضوع انرژی هسته ای ایران، چالش های منطقه ای، قطع نامه های صادر شده از سوی سازمان ملل علیه ایران، روابط ایران و آمریکا و ده ها موضوع بسیار مهم دیگر نیز افزوده شوند، راه خاتمی برای رسیدن به دست آوردهای مثبت یک دولت دموکراتیک بسیار سخت خواهد بود.

اما از این سو، اگر دنبال ایده آل های مان می گردیم و یا در پی قهرمان سازی هستیم، هم دوره ایده آلیسم سپری شده است و هم با آمدن آخرین قهرمان «دون کیشوت» دوره قهرمانی پایان پذیرفته است. امروز باید دنبال واقعیت های جهانی بود. چه کسی تا چند سال پیش می اندیشید که روزی فرا خواهد رسید که جنایت کاران و متجاوزان به حقوق بشر و قتل عام کننده گان انسان های بی گناه تسلیم دادگاه های جهانی خواهند شد!! از هر شهر و قبیله ای یا از هر نژاد و تیره ای، هیچ کس را در این جهان زندگی جاودانی نیست. نگاه کنید:

هم مرگ بر جهان شما بگذرد

هم رونق زمان شما بگذرد

این تیزی ستان شما نیز بگذرد

• توضیح : مجله ی فردوسی با نگاهی دگرگونه تر به مسایل سیاسی روز از نقطه نظرهای سیاسی صاحب نظران استقبال می کند.

**سو دیبر**

چون ابر به نوروز رخ لاله بشت  
برخیز و به جام باده کن عزم درست  
کاین سبزه که امروز تماشاگه توست  
فردا همه از خاک تو بر خواهد رستا  
(خیام)

در سرزمین ما که گاه سرزمین خورشید می نامیمش و گاه سرزمین اهورایی ، سده ها است که مرگ بر زندگی ، بر لذت ستیزی بر لذت گزایی چیره شده است.  
از دل مرده گی و اندوه ، کامیاب و سرشار می شویم و گریه و گور را پاس می داریم. عزای ماتم و غم برای مان درون مایه ی عرفانی دارد و نوای محزون ما را به آغوش آرامش می سپارد. ایرانیان نه فقط اندوه گین ترین ، که اندوه پرور و اندوه پرست ترین مردمان این گوی گردان اند. خوشی و عیش و طلن و طرب را با ریا و دو رویی ، خوار و فرومایه و جلف و سبک می شماریم تا آن جا که هم آغوشی و هم بستری - این زیبا ترین و گیرا ترین آیین و آرایه ی رمانتیزم انسانی و این پر آب و رنگ ترین نشان زیبایی الهی را «خاک تو سری» دانسته و آن را نماد « حیوانیت » و « پرده گی شیطان » می شناسانیم. البته به ریا و در ظاهر ، و گر نه چه بسیار آن چنان در کردار بدان اصرار و تکرار می جوییم که وابسته و معتمدش شده و جبر و وسواس می یابیم. و شگفت این است که از این واقعیت برهنه و هویدا نیز روی گردان نبوده و نیستیم و بدان غرور و افتخار می ورزیم!  
سده ها است در این مرز پر گهر ، ماتم و مویه سنتی فراگیر شده و حتا دانش وران و اندیش مندان به این چشم پوشیدن بر زندگی و ستیزه جویی با جلوه های بنیادین زندگی - لذت و عیش و خوشی و شادی - خو گرفته اند.

برای ما ایرانیان به ظاهر ، هر زاده شدنی با شادی و ارمغان و مهمانی و سر برش (ختنه) سوران همراه است. اما در شعر و ادب و هنر و فلسفه مان هر زایمان آغاز زندگی آمیخته با درد و دشواری و رنج و عذاب است. سخنی از شادمانه زیستن نبوده و نیست؛ مگر اندکی، از تکفیر گشته و رانده شده ی چون خیام، حافظ، مولانا، ایرج میرزا، صادق هدایت، جمال زاده، فروغ فرخزاد، ارحام صدر اصفهانی، پرویز صیاد و دو نصرت رانده شده سینمای ایران: کریمی و وحدت و مانند اینها!

«به کجا چنین شتابان؟»  
گورستان برای مان رامشکده و آرام گاه است، و چه بسیار گورستان - دست کم « تخت پولاد » ما اصفهانی ها - تا نیم سده پیش برای مان سبزه زار دل گشای سبزه به در نوروزی مان بوده است! شگفت انگیز تر ، ستافتن شمار فراوانی در هنگام دگرگونی ( لحظه ی تحویل ) سال نو به این « پایان گاه » است !! ما یگانه ملتی هستیم که تا این اندازه شور مرگ و اشتیاق نابودی داریم و چه فراوان آشکارا بر شتاب و بی درنگ از آغوش سرخ فام زندگی به سوی چنگال سیاه مرگ می تازیم. از گل و برگ و سبزه و شکوفه بدمان نمی آید ، هر از گاه به دلمان آن نیز اندکی می نشینیم اما خفتن در دل گل ، به زیر خشت و لحد ، و درون کفن و کافور را پاس می داریم.  
ستایش مرگ مرگیم و ادای زندگی با زندگی بر چهره و قامت استوار می داریم. آیین کفن و دفن مان



**رازهای روان شناختی نوروز**

دکتر بهنام اوحدی (ایران بد) •